یادداشت

دومینوی شکست عربستان در اتکا به قوای بیگانه و عاریتی

رسول سنائی‌راد
کارشناس سیاسی

با پیشروی‌های سریع نیروهای انصارالله به مناطق مجاور تنگه باب‌المندب و تصرف چند شهر و جزیره که با عقب‌نشینی و تسلیم گسترده مزدوران وابسته به عربستان و تحویل تجهیزات و تسلیحات فراوان همراه بود، زمینه حرکت و پیشروی به سمت مأرب، اصلی‌ترین پایگاه نیروهای یمنی وابسته به عربستان نیز فراهم شده است.

مأرب علاوه بر ارزش نظامی، با مهم‌ترین تأسیسات نفت و گاز یمن ارزش اقتصادی بالایی داشته و تصرف آن منافع و اهمیت راهبردی برای انصارالله دارد. تعداد نیروهای تسلیم‌شده، و نوع و میزان تسلیحات به‌غنیمت‌درآمده، در کنار فعالیت اتاق‌های جنگ مشترک مزدوران با فرماندهان امریکایی و سعودی و دیدارهای مشترک فرماندهان سعودی با فرماندهان نظامی و اطلاعاتی اسرائیلی که پیش از این عملیات انجام می‌شد، گویای آمادگی و سازماندهی ارتش ۷۵ هزار نفری مزدوران سعودی برای حمله به مواضع انصارالله و اقدامات مشابه اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان بود. اما انصارالله با اشراف اطلاعاتی و کشف این توطئه کثیف، عملیاتی پیش‌دستانه، هوشمندانه و غافلگیرانه به اجرا گذاشته و تهدید مشترک عربستان و مزدورانش را به فرصتی راهبردی برای خود تبدیل کرد.

در ادامه حملات موشکی و پهپادی موفق انصارالله علیه تأسیسات و خطوط انتقال نفت و مراکز نظامی و اقتصادی عربستان در عمق به ویژه ریاض، کاخ‌نشینان سعودی را در معرض تهدیدی خطرناک قرار داد و راهبرد یک دهه‌ای عربستان برای تضعیف و نابودی انصارالله با اتکا به فشار نظامی-اقتصادی، زمان، پول و به‌کارگیری عناصر مزدور و نیابتی را به چالش کشید. کاخ‌نشینان ریاض، برای فراهم کردن شرایط ضدحمله علیه انصارالله و برگرداندن وضعیت به قبل، این بار دست کمک و التماس به سمت امریکا، مصر، ترکیه، سوریه و پاکستان دراز کردند که پیش از این با گشاده‌دستی پترودلارهای خود را به آنان بخشیده و به توافقات کاغذی آشکار و پنهان آنان برای امنیت خود چشم طمع و امید دوخته بودند. اما امریکایی که تجربه تلخ شکست در برابر انصارالله از حافظه تاریخی‌شان پاک نشده تنها وعده کمک‌های اطلاعاتی و پشتیبانی داده و برای مشارکت و اعزام نیرو به میدان جنگ، محترمانه پاسخ رد دادند. مصری‌ها نیز با نگرانی از گسترش تنش و تهدید منافع و درآمدهای کانال سوئز در نتیجه درگیری با یمنی‌ها، عربستان را به حل مشکل از طریق مذاکره و توافق سیاسی توصیه کردند. جولانی هم با وجود شرمندگی از سخاوت ریاض در قدرت‌یابی در سوریه، اولویت خود را سازماندهی نیروهای مسلحش برای داخل و عدم تمایل برای قرار گرفتن به‌عنوان طرف ثالث در یک جنگ بدون چشم‌انداز زمانی را اعلام داشت. ترکیه و پاکستان هم با اینکه توافقنامه سه‌جانبه موسوم به پیمان مکه را با عربستان امضا کرده‌اند، اما اجرای آن را به بررسی و فراهم شدن مبنای حقوقی آن در سازوکارهای داخلی موکول کردند. برخی خبرها از ارتباط‌گیری عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان با ایران برای وساطت با انصارالله و درخواست قطع حملات و توقف تنش حکایت می‌کند.

تمامی این مواضع، تکرار بی‌نتیجه بودن برون‌سپاری و توان عاریتی برای عرصه مهم و راهبردی امنیت است که عربستان با دادن پایگاه نظامی به امریکا و تأمین هزینه‌های سنگین راه‌اندازی و اداره آن و همچنین استخدام مزدوران و عناصر نیابتی بیگانه و پیمان‌های کاغذی آن را دنبال می‌کرد ولی الآن، و در شرایط نیاز، با اینکه التماس برای همراهی و مشارکت به آن اضافه شده است، به داد ارتش سعودی نمی‌رسند. بدیهی است وقتی رشته پیمان و همکاری پول و منافع باشد، اعتبار و برد آن همان محدوده سود و منافع است و بروز هرگونه تهدید و خطر جدی، موجب گسست و رسیدن به خط پایان و نقض توافق خواهد شد. طرف‌هایی که پیش از کمک‌های سخاوتمندانه و پترودلارهای عربستان متنعم و وعده‌های پر و پیمان برای کمک و مشارکت در شرایط جنگ و درگیری داده بودند، امروز با درک قدرت انصارالله در میدان جنگ واقعی، هزینه ورود به جنگ و درگیری با آن، بدون سقف زمانی و به‌دور از پوشش سیاسی و حقوقی برای مردم خود و دیگر ملت‌ها را بسیار بالاتر از رد درخواست و حتی نقض عهد به یک هم‌پیمان در معرض آسیب و شکست می‌دانند. این ماجراها و برخوردها عبرت‌هایی دارند که اگر مورد توجه قرار بگیرند و در حافظه تاریخی جانمایی شوند، سرمایه‌ای سودمند برای امنیت، منافع و عزت و شرافت ملی فراهم خواهند کرد. هیچ‌گاه امنیت را نمی‌توان برون‌سپاری کرد و از دیگران عاریت گرفت و به پیمان‌های نظامی بر پایه پول و سود اعتماد کرد و چشم امید دوخت.

گزیده خبر

وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای خبر داد

انهدام ۳ کانون عملیاتی وابسته به گروهک‌های تروریستی

عوامل سه کانون عملیاتی وابسته به گروهک‌های تروریستی مزدور دشمن امریکایی-صهیونیستی که قصد عملیات ترور و تخریب زیرساخت‌های اقتصادی را در ۳ استان کشور داشتند به هلاکت رسیده یا بازداشت شدند.

در اطلاعیه روابط عمومی وزارت اطلاعات در روز یک‌شنبه آمده است: با مجاهدت‌های خاموش سربازان گمنام امام زمان(عج) و با بهره‌گیری از گزارش‌های مردمی، عوامل سه کانون عملیاتی وابسته به گروهک‌های تروریستی مزدور دشمن امریکایی صهیونیستی که قصد عملیات ترور و تخریب زیرساخت‌های اقتصادی را داشتند در سه استان کشور به هلاکت رسیده یا بازداشت شدند. خلاصه موارد اشاره‌شده به شرح ذیل است:

۱. هلاکت عامل عملیاتی گروهک تروریستی تجزیه‌طلب که مترصد ترور یکی از فرماندهان حافظ امنیت در شهرستان پیرانشهر بود. طی اقدام پیش‌دستانه سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان آذربایجان غربی، یکی از عوامل عملیاتی گروهک تروریستی تجزیه‌طلب که قصد ترور یکی از فرماندهان حافظ امنیت در پیرانشهر را داشت، در کمین سربازان گمنام امام زمان(عج) گرفتار و در درگیری با نیروهای حافظ امنیت، پیش از انجام مأموریت شیطانی خود به هلاکت رسید. ۲. به‌دنبال رصدهای به‌عمل آمده توسط اداره کل اطلاعات استان البرز، یک مزدور وابسته به دشمن امریکایی-صهیونیستی به نام «امیرعلی-ن» که در راستای اجرای دستورات سرپل گروهک سلطنت‌طلب وابسته به سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی، قصد انجام اقدامات خرابکارانه داشت، با الطاف الهی و مجاهدت‌های سربازان گمنام امام زمان(عج) در آن اداره کل، دستگیر و از اقدامات خرابکارانه او پیشگیری به عمل آمد. این متهم با هدایت و آموزش‌های مختلف گروهک سلطنت‌طلب، مشخصات برخی افراد هدف گروهک و مختصات برخی از اماکن نظامی سپاه و بسیج را برای دشمن ارسال نموده بود. تخریب پایگاه بسیج در منطقه، ربایش و اقدام ایذائی نسبت به افراد، آتش زدن خودرو و... از اقدامات برنامه‌ریزی‌شده توسط گروهک تروریستی برای این مزدور بود که به لطف الهی پیش از اقدام، پیشگیری به عمل آمد. ۳. در ادامه سلسله عملیات‌های پیش‌دستانه سربازان گمنام امام زمان(عج) در اداره کل اطلاعات کرمان، یک هسته سازمان‌یافته و مترصد گروهک‌های تروریستی وابسته به سرویس‌های جاسوسی دشمن امریکایی-صهیونی شناسایی و اعضای آن پیش از هرگونه اقدام ایذایی، بازداشت شدند. این هسته دو نفره تروریستی از سوی سرپل گروهک مأموریت داشتند یکی از تأسیسات زیربنایی و مهم شهرستان بم را منفجر نمایند. همچنین از سوی گروهک به اعضای این تیم مأموریت داده شده بود که برای دیگر اقدامات مسلحانه و تروریستی، این هسته دو نفره تروریستی از سوی سرپل گروهک مأموریت داشتند یکی از تأسیسات زیربنایی و مهم شهرستان بم را منفجر و برای دیگر اقدامات مسلحانه و تروریستی، کسب آمادگی نمایند.

دفاعی

هشدار راهبردی قرارگاه خاتم به دشمن

پاسخ تهاجمی ایران با خطای امریکا فعال می‌شود

قرارگاه خاتم به دشمن هشدار «حملات مستمر، مؤثر و دردناک» داد. ظاهراً جلسه فرماندهان نظامی امریکا و برخی کشورهای منطقه در آلمان و تحرکات و سخنان تحریک‌آمیز دشمن علت این هشدار راهبردی است. دشمن و، به‌ویژه شیوخ منطقه، یک بار هشدار رهبر شهید که «این بار جنگ منطقه‌ای خواهد بود» را نادیده گرفتند و اکنون در باتلاق این نادیده‌انگاری گرفتارند. آیا دست‌کم کشورهای حاشیه خلیج‌فارس این بار معنای این تهدید ایران را با تمام وجود می‌فهمند: «تمامی مراکز استقراری و منافع آن کشور در منطقه، بدون هیچ‌گونه محدودیت و ملاحظه‌ای، هدف حملات مستمر، مؤثر و دردناک قرار خواهد گرفت».

قرارگاه خاتم‌الانبیا روز گذشته در اطلاعیه‌ای خطاب به امریکا و کشورهای منطقه اعلام کرد: براساس اطلاعات دریافتی، امریکای جنایتکار در پی پوشش شکست‌ها و دستیابی به دستاوردهای کاذب در جنگی که با اتکا به دروغ و صحنه‌سازی صهیونیست‌ها آغاز و با فریب و حیله استمرار یافته است، بار دیگر تصمیم گرفته است با چراغ سبز برخی کشورهای منطقه، در نشست مشترکی در یکی از کشورهای اروپایی، اقداماتی علیه ایران اسلامی را از سر بگیرد. هشدار می‌دهیم که چنانچه امریکا علیه ایران اسلامی خطایی مرتکب شود، تمامی مراکز استقراری و منافع آن کشور در منطقه، بدون هیچ‌گونه محدودیت و ملاحظه‌ای، هدف حملات مستمر، مؤثر و دردناک قرار خواهد گرفت.

قرارگاه خاتم‌الانبیا همچنین اضافه کرده است: اخطار می‌دهیم چنانچه کشورهای منطقه با تداوم سیاست دوگانه در قبال جمهوری اسلامی ایران، با تجاوز شیطان بزرگ به ایران اسلامی و مقتدر همسو شوند، همگی در این شرارت شریک تلقی شده و دیگر نمی‌توانند از نیروهای مسلح قدرتمند ایران انتظار خویشتن‌داری یا نجابت را داشته باشند.

چنان‌که از محتوای اطلاعیه پیداست، هشدار صریح قرارگاه خاتم‌الانبیا به امریکا و کشورهای منطقه، از ترسیم یک خط قرمز روشن در برابر هرگونه اقدام جدید علیه ایران حکایت دارد؛ هشداری که در آن، هر خطای محاسباتی واشینگتن یا همراهی کشورهای منطقه با اقدام احتمالی امریکا، با پاسخ مستقیم و مستمر ایران مواجه خواهد شد. این هشدار دامنه پیام تهران را از امریکا فراتر برده و کشورهای منطقه را نیز مخاطب قرار داده است؛ به این معنا که همراهی با تجاوز احتمالی امریکا، از نگاه ایران صرفاً یک موضع سیاسی نخواهد بود بلکه می‌تواند آنها را در دایره طرف‌های درگیر در این اقدام قرار دهد. بر همین اساس، قرارگاه خاتم‌الانبیا تصریح کرده است که در چنین شرایطی، انتظار خویشتن‌داری یا نجابت از نیروهای مسلح ایران، انتظاری بی‌پشتوانه خواهد بود. برآیند این موضع، ترسیم معادله‌ای روشن برای واشینگتن و شرکای منطقه‌ای آن است: هرگونه اقدام جدید علیه ایران می‌تواند دامنه پاسخ را از مبدأ حمله فراتر ببرد و منافع و مراکز استقراری امریکا در منطقه و نیز کشورهایی را که در این اقدام همراهی کنند، در معرض واکنش ایران قرار دهد.

اطلاعیه هشدارآمیز قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا در حالی منتشر شده است که روز شنبه هم سردار سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگویی تفصیلی با شبکه الجزیره در پاسخ به این پرسش که واکنش ایران در برابر تهدیدات نظامی ترامپ چیست، تأکید کرد: «ما خود را کاملاً برای یک جنگ سرنوشت‌ساز آماده کرده‌ایم. اکنون کاملاً از نقاط ضعف ارتش امریکا آگاه هستیم. در مورد حملات هوایی که آنها قصد انجام آن را دارند، ما بسیار بهتر از قبل آماده‌ایم. آمادگی ما امروز برتر از آن چیزی است که در طول جنگ ۴۰ روزه بود. ما اخیراً یک موشک ضد کشتی آزمایش کردیم. ما موشکی را پرتاب کردیم که در نزدیکی یک ناو هواپیمابر منفجر شد و به ۸۰ بمبلت تقسیم شد. ما این را آزمایش کردیم و آزمایش موفقیت‌آمیز بود. بنابراین، اگر دوباره جنگی آغاز شود، کشتی‌های امریکایی، مگر اینکه از اقیانوس هند عقب‌نشینی کنند، در هر کجا که در داخل آن باشند، در معرض حمله قرار خواهند گرفت. ما این قابلیت‌ها را به دست آورده‌ایم، سرعت موشک‌های مافوق صوت خود را از ۶ ماخ به ۱۰ ماخ افزایش داده‌ایم، سیستم‌های جنگ الکترونیک خود را بهبود بخشیده‌ایم و دفاع هوایی خود را تقویت کرده‌ایم. ما همچنین اقدامات دیگری داریم که در زمان مناسب از آنها استفاده خواهیم کرد. بنابراین، ما کاملاً آماده‌ایم و اگر امریکا جنگ را آغاز کند، ما با قدرت بیشتر و با ضربات دردناک‌تر و بیشتر با امریکا مقابله خواهیم کرد.»

رضایی همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا در صورت وقوع جنگی دیگر راهبرد ایران مانند جنگ ۴۰ روزه خواهد بود، گفت: «آیا ممکن است جاهایی وجود داشته باشد که هواپیماها از آنجا بلند شوند و بیایند شهرهای ما را بمباران کنند و ما آن پایگاه‌ها را هدف قرار ندهیم؟ نه از منظر اسلام و نه از نظر عقلی و نه از منظر دیگر نمی‌توان گفت که این پایگاه‌ها نباید هدف قرار گیرند. بله، راه‌حلی وجود دارد و آن این است که کشورهای عربی کاملاً امریکا را تحریم کنند و به آن بگویند: شما حق ندارید از کشورهای ما ایران را بمباران کنید. وقتی یک کشور عربی، یک کشور برادر، یک کشور مسلمان به امریکا اجازه می‌دهد از پایگاه‌هایش بلند شود و بیاید شهرهای ایران، مردم ایران، رهبر ایران، مدارس ایران، دبیرستان‌های ایرانی و ورزشگاه‌های ایرانی را بمباران کند و شهروندان ما شهید شوند و مسلمانان ایرانی با هواپیماهایی که از کشورهای عربی بلند می‌شوند به شهادت برسند، آیا ما حق نداریم آن پایگاه را هدف قرار دهیم؟ ما تا به حال به شهرهای عربی یا مراکز وابسته به خود کشورهای عربی حمله نکرده‌ایم. چه حمله‌ای انجام دادیم؟ پایگاه‌هایی را که هواپیماها از آنجا بلند می‌شوند و می‌آیند ما را بمباران می‌کنند، هدف قرار دادیم. ما در دفاع از خود جدی هستیم. این بار اگر جنگ شروع شود، به تمام پایگاه‌های هوایی امریکا که این هواپیماها از آنجا بلند می‌شوند ضربه بیشتری خواهیم زد. تنها یک راه‌حل وجود دارد و آن این است که کشورهای همسایه ما در منطقه از پرواز این هواپیماها جلوگیری و پروازهای آنها را متوقف کنند.»

انفجار مهیب در اربیل عراق

عصر دیروز خبرگزاری مهر به نقل از منابع خبری عراق از شنیده شدن صدای انفجارهایی در اربیل در اقلیم کردستان عراق خبر داد. خبرنگار الحدث که این خبر را منتشر کرده، به جزئیات بیشتری اشاره نکرده است، اما برخی منابع دیگر از انفجار بزرگ در نزدیکی فرودگاه اربیل در شمال عراق و برخاستن دود خبر دادند. این در حالی است که رویترز به نقل از منابع امنیتی اعلام کرد که پدافند یک پهپاد را در نزدیکی فرودگاه اربیل در اقلیم کردستان عراق سرنگون کرده است. همزمان شبکه العهد هم گزارش داد که یک پهپاد در حومه فرودگاه اربیل هدف قرار گرفته است. جزئیات حادثه و خسارت‌های احتمالی ناشی از آن هنوز مشخص نشده است و نهادهای امنیتی مربوطه اقدامات لازم را برای بررسی ابعاد و جزئیات این حمله آغاز کردند. درباره منشأ این حملات و اهداف مورد تا لحظه تنظیم این گزارش خبری دریافت نشد، اما می‌توان حدس زد، با توجه به تحرکات گسترده امریکا و رژیم صهیونیستی، منطقه شاید آبستن حوادث دیگری از درگیری و ماجراجویی باشد.

دیپلماسی

نه تسلیم، نه جنگ بی‌پایان

قالیباف: منطق ما پیشروی هوشمندانه و تحمیل اراده ملت ایران است

ادامه از یک

دوگانه «جنگ یا مذاکره» در حالی بار دیگر به یکی از محورها در بستر مناقشات سیاسی کشور تبدیل شده است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام ششم شهریور خود به مناسبت هفته دولت، صراحتاً نسبت به «دوگانه‌سازی‌های موهوم» هشدار داده و «جنگ یا مذاکره» و «سازش یا جنگ‌طلبی» را از جمله دوگانه‌هایی دانستند که می‌تواند به انسجام اجتماعی آسیب بزند. روز گذشته اما محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در نطقی که بخش مهمی از آن به تبیین راهبرد ایران در مواجهه با دشمن اختصاص داشت، همین دوگانه را به‌صورت مشخص نفی کرد و نشان داد که راهبرد مورد نظر را نباید در انتخاب میان «میدان» و «دیپلماسی» جست‌وجو کرد بلکه قدرت میدانی، پیشروی هوشمندانه و دیپلماسی مقتدرانه، اجزای یک راهبرد واحدند. بر این اساس، نه جنگ‌طلبی بدون افق راهگشاست و نه مذاکره‌ای که از موضع ضعف و تحت فشار انجام شود؛ آنچه تعیین‌کننده است، حفظ قدرت ملی، تثبیت دستاوردهای میدان و استفاده از ابزار دیپلماسی در زمان مناسب است.

رهبر معظم انقلاب در پیام ششم شهریور خود، پس از تأکید بر ضرورت تبیین «قدرت و قوت ایران»، درباره آثار سخنان ناامیدکننده و دوگانه‌سازی‌های موهوم هشدار دادند و تصریح کردند: «بی‌تردید هر سخن ناامیدکننده و تضعیف‌کننده انگیزه‌های ملی و عمومی و هر نوع دوگانه‌سازی موهوم از قبیل جنگ یا مذاکره، وفاق یا تندروی، سازش یا جنگ‌طلبی که در گذشته به مردم عزیزمان خسارت‌هایی بی‌واسطه یا باواسطه وارد ساخته، از این پس هم می‌تواند همان تأثیر را به‌جا بگذارد. لذا بنده قاطعانه اعلام می‌کنم که ارتکاب هر آنچه به‌ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است.»

رئیس مجلس در نطق خود، روز گذشته دقیقاً در همان نقطه‌ای ایستاد که باید میان «جنگ» و «مذاکره» مرزبندی دوگانه ایجاد نشود. قالیباف در نطق خود صریحاً گفت: «ما معتقدیم دوگانه جنگ یا مذاکره واقعی نیست بلکه هم باید جنگید و هم مذاکره کرد. باید معقول و مقتدرانه جنگید و در زمان مناسب با اقتدار و عقلانیت مذاکره کرد.» قالیباف برای توضیح این رویکرد گفت: «در هفت ماه گذشته نشان داده‌ایم که در برابر تجاوزگری دست بسته نیستیم، منطق ما در مواجهه با دشمن پیشروی هوشمندانه و تحمیل اراده ملت ایران است.»

این سخن رئیس مجلس، نقطه مقابل دو رویکردی است که او از آنها به‌عنوان «خطاهای راهبردی» یاد می‌کند. از یک سو، جنگی که فاقد افق پایان باشد و کشور را در فرسایش مستمر قرار دهد و از سوی دیگر، نگاهی که با کم‌برآورد کردن توان ایران، نسخه پذیرش شروط یکجانبه طرف مقابل را تجویز کند. قالیباف در همین زمینه می‌گوید: «در هفت ماه گذشته نشان داده‌ایم که در برابر تجاوزگری دست بسته نیستیم، منطق ما در مواجهه با دشمن پیشروی هوشمندانه و تحمیل اراده ملت ایران است. اما متأسفانه در فضای نخبگانی و سیاسی کشور دو خطای راهبردی وجود دارد که هر دو واقعیت را ساده‌انگاری می‌کنند. نخستین خطا نگاهی است که از جنگ سخن می‌گوید اما هیچ افق و سازوکاری برای پایان مقتدرانه آن ندارد این نگاه با نفی هرگونه تعامل و دیپلماسی بدون محاسبه مقدورات، عملاً کشور را به سمت فرسایش و جنگ بی‌پایان می‌برد. در نقطه مقابل جریانی قرار دارد که دچار خطای کم‌برآوردی از توان ملی است؛ ایران را ضعیف می‌پندارد و با هراس‌افکنی، نسخه تسلیم و پذیرش شروط یک‌طرفه دشمن را می‌پیچد. خطای اول کشور را در وضعیت بحران دائمی نگه می‌دارد و خطای دوم منابع و عزت ملی را پیشکش دشمن می‌کند و هر دو رویکرد، خواسته دشمن برای برهم زدن انسجام و اتحاد کشور را محقق می‌سازد.»

در این چارچوب تحلیلی «پیشروی هوشمندانه» یعنی حفظ ابتکار عمل و جلوگیری از آنکه دشمن بتواند زمان، زمین و شرایط تصمیم‌گیری را تعیین کند. بنابراین، راهبرد ایران نه جنگ برای جنگ است و نه مذاکره برای مذاکره؛ هدف، تغییر شرایط به نفع منافع ملی و رسیدن به بازدارندگی است.

میدان، پشتوانه دیپلماسی

قالیباف درباره نسبت میدان و مذاکره نیز تصریح کرده است: «یعنی در لحظه لازم با تمام توان نظامی که داریم دشمن را عقب زده و به او ضرباتی مهلک وارد نماییم اما در زمانی که پیروزی میدانی قابل توجه به دست آورده‌ایم و دشمن در ضعف است با ابزار دیپلماسی این امتیازات را تثبیت کنیم تا اینکه با تحمیل شکست به دشمن و همچنین تقویت مؤلفه‌های قدرت خود به مرحله بازدارندگی برسیم.» از این رو، دیپلماسی قرار نیست جای قدرت را بگیرد بلکه باید از قدرت ایجادشده در میدان برای تثبیت دستاوردهای سیاسی استفاده کند. بنابراین «مذاکره» در سخنان قالیباف به معنای اشتیاق برای نشستن پشت میز نیست بلکه مذاکره، زمانی معنا و کارکرد پیدا می‌کند که شرایط آن فراهم شده و طرف ایرانی بتواند از ظرفیت‌های حاصل از قدرت ملی برای تأمین منافع خود استفاده کند. به بیان دیگر، میدان و دیپلماسی دو مسیر موازی نیستند؛ میدان می‌تواند پشتوانه دیپلماسی باشد و دیپلماسی می‌تواند دستاورد میدان را تثبیت کند.

اجرای تعهدات امریکا، نقطه توقف گشایش

قالیباف در بخش دیگری از سخنان خود، درباره شرایط بازگشت به وضعیت مذاکره گفت: «امروز در صحنه دیپلماسی نیز مواضع ما کاملاً روشن، عقلانی و غیرقابل معامله است. انتقال پیام‌ها و تبیین شروط ما از طریق میانجی‌ها با صراحت به طرف مقابل انجام شده و دشمن به خوبی می‌داند که مسیر فریب و تحمیل یک‌طرفه بسته است و تا زمانی که این شروط محقق نشده و حقوق حقه ملت ایران به رسمیت شناخته نشود و تعهدات امریکایی‌ها اجرا نشود هیچ روزنه‌ای برای بازگشت به شرایط پیشین مذاکره و باز شدن تنگه هرمز وجود نخواهد داشت.» قالیباف در این بخش از سخنان خود در واقع کوشیده است، نشان دهد که مذاکره از منظر ایران نباید به یک هدف مستقل تبدیل شود. اگر مذاکره قرار است ابزاری برای تأمین منافع ملی باشد، باید بر مبنای تعهد، عمل متقابل و احترام به حقوق ایران پیش برود؛ در غیر این صورت، صرف مذاکره نمی‌تواند به‌عنوان دستاورد تلقی شود.

انسجام اجتماعی، حلقه اتصال میدان و دیپلماسی

در اینجا اهمیت پیوند سخنان قالیباف با پیام ششم شهریور رهبر انقلاب بیشتر آشکار می‌شود. رهبر انقلاب در آن پیام، معیار مهمی را مطرح کردند: هر اقدامی که به انسجام اجتماعی آسیب بزند، نباید به بخشی از فضای تصمیم‌گیری کشور تبدیل شود. با این نگاه دوگانه‌سازی «جنگ یا مذاکره» تنها یک اختلاف لفظی یا سیاسی نیست بلکه می‌تواند جامعه را در برابر یک انتخاب کاذب قرار دهد: یا جنگ و ادامه تقابل، یا مذاکره و عقب‌نشینی. حال آنکه منطق مطرح‌شده در سخنان قالیباف، این دو را از اساس متعارض نمی‌داند. می‌توان گفت نفی دوگانه جنگ و مذاکره از سوی رئیس مجلس، تبیین و صورت‌بندی سیاسی همان اصل کلانی است که رهبر معظم انقلاب در پیام هفته دولت درباره پرهیز از دوگانه‌سازی‌های موهوم مطرح کردند؛ یعنی به جای قرار دادن جامعه در برابر دو انتخاب متضاد و القای ناگزیر بودن یکی از آن‌ها، باید مجموعه ظرفیت‌های کشور را در یک راهبرد منسجم به کار گرفت. بنابراین، پیام محوری این رویکرد را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد: ایران نه در پی جنگ بی‌پایان است و نه برای مذاکره از مواضع خود عقب می‌نشیند؛ منطق مواجهه، پیشروی هوشمندانه، حفظ اقتدار، تحمیل اراده ملی و استفاده از دیپلماسی در زمان مناسب است.

ستون دوشنبه‌ها

ازحاشیه تا متن

تقی دژاکام
روزنامه‌نگار

درباره سخنگوی وزارت خارجه

مهرماه که برسد، درست دو سال است که آقای دکتر اسماعیل بقایی به سمت سخنگویی وزارت امور خارجه منصوب شده است. راستش تقریباً از سال ۷۲ که به سرویس سیاسی رفتم و سه حوزه خبری از جمله وزارت امور خارجه را به من تحویل دادند، با همه سخنگویان وزارتخانه ارتباط کاری و تنگاتنگی داشتم که به جرئت می‌توانم بگویم اکثر قریب به اتفاق آنان دلسوز و پرتلاش بودند، اما باید اعتراف کنم آقای بقایی در کسوت سخنگویی انصافاً بسیار خوش درخشیده و تراز سخنگویی را بسیار بالا برده و برکشیده است؛ گویی این مرد را برای سخنگویی آفریده‌اند.

او علاوه بر دلسوزی و تلاش و ارتباط خوب با خبرنگاران که در سخنگویان پیشین وزارت خارجه هم وجود داشته است، با احاطه خیره‌کننده بر ادبیات فارسی و نکات نغز و طنز آن و با حاضرجوابی‌هایی که کمتر شاهدش بوده‌ایم، باعث شده پرسش و پاسخ‌های گاه ساده و معمولی خبرنگاران با او سریع در کلیپ‌ها و برنامه‌های فضای مجازی بازنشر و پربیننده و پرپسند شود.

آن‌روز که خبرنگار خارجی پرسید «امریکا یک ابرقدرت است؛ شما چه ابزار و چه پشتوانه‌ای برای مقابله با آن دارید؟ چرا عقب‌نشینی نمی‌کنید؟ یا کوتاه نمی‌آیید؟» در یک جمله کوتاه دوکلمه‌ای جواب داد: «ما هم ابرقدرتیم.» این پاسخ علاوه بر اینکه درست است اما تزریق انرژی و امید به مردم و مجاهدان مختلف جبهه‌های جنگ هم بود و بازتاب بسیار مثبتی در میان مردم داشت.

یا در پاسخ به آن خبرنگار ایرانی که سؤال کرد: «آیا این زیردریایی که از سوی ایران توقیف شده و خبرش منتشر شده، این موضوع از سوی چارچوب مذاکرات یا کانال‌های دیپلماتیک پیگیری می‌شود یا نه»، با آرامشی مثال‌زدنی به همراه لبخندی بر لب گفت: «توقیف نشده؛ به غنیمت گرفته شده و غنیمت حلال است.» این نقطه‌زنی در پاسخ در بسیاری موارد دیگر هم از آقای سخنگو دیده و شنیده شد و البته در رسانه‌های بین‌المللی هم بازتاب پیدا کرد.

خبرنگار دیگری در کنفرانس خبری دیگری گفت: «وزیر امور خارجه فرانسه چند روز پیش مصاحبه‌ای انجام دادند و گفتند که بدون موافقت فرانسه لغو تحریم‌های ایران امکان‌پذیر نیست.» و نظر بقایی را پرسید. سخنگوی وزارت امور خارجه هم با یک شعر جواب داد و گفت: «می‌فرماید: گفت آری لاف می‌زن لاف لاف/ در غریبی وز توان گفتن گزاف. این حرف‌ها لاف در غریبی است و آواز در بازار مسگری...» که در این شعر و مفاهیم نهفته در آن نکته‌هاست!

اما شاید دشمن‌شکن‌ترین پاسخ سخنگوی وزارت امور خارجه، همانی بود که در پاسخ به پرسش یک خبرنگار درباره اینکه «چرا وزارت امور خارجه ایران به اظهارات توهین‌آمیز اخیر دونالد ترامپ واکنشی متقابل نشان نمی‌دهد» گفت: «ما منش خودمان را داریم. به قول عبید زاکانی، فعل و عمل ما را و دعوی ایشان را!»

خوب است خوانندگان محترم خودشان ماجرای این حکایت مشهور عبید زاکانی را بگردند و بخوانند و سخنگوی مقتدر وزارت خارجه کشورمان را تحسین کنند.

علاوه بر حاضرجوابی، نقطه‌زنی و طنز آمیخته در پاسخ‌های آقای سخنگو، زبان بدن و آرامش مثال‌زدنی وی نیز کاری کرده است تا وی خود به عنوان یک رسانه تأثیرگذار و سریع، نقش ایفا کند.

این رفتار را پیش‌تر ما در کسانی چون امام خمینی هم دیده بودیم. مثلاً آنگاه که کارتر رئیس‌جمهور وقت امریکا گفته بود این کارهای ایران غیراسلامی است، امام در یک سخنرانی عمومی و با آرامش خاصی اظهار داشت: «من نمی‌دانم آقای کارتر کی می‌خواهد بر عروه‌الوثقی حاشیه بزند؟»!

امام یک بار دیگر هم درباره رئیس‌جمهور وقت امریکا مثالی زد که خیلی بازتاب داشت. ایشان باز هم با همان ویژگی ذکرشده گفت: «اما قضیه تشرهای آقای کارتر. نمی‌دانم شما این مثل را می‌دانید. من حیفم می‌آید که مثل بزنم به شیر، که می‌گویند وقتی مقابل یک دشمن می‌ایستد هم فریاد می‌زند و هم از آن طرفش چیزی بیرون می‌آید و هم دمش را حرکت می‌دهد. فریاد می‌زند برای اینکه طرف را بترساند. می‌ترسد، از این جهت از او چیزی هم صادر می‌شود! دمش را حرکت می‌دهد برای اینکه میانجی پیدا کند. آقای کارتر را من حیفم می‌آید که بگویم شیر، لکن یک موجودی است که همین کارها را دارد می‌کند. این هیاهو و این فریادها و آن ترساندن ماها را از اقدام نظامی، و دخالت نظامی، این‌ها کهنه شده است و لهذا یک دفعه یک چیزی می‌گوید فوراً بعدش یک چیزی دیگر می‌گوید خلاف آن. این‌ها همان فریادهایی است که آن حیوان می‌زد برای اینکه بترساند طرفش را. الان ملت‌های اسلامی و ملت‌های غیر اسلامی هم توجهشان به اینجاست و دل‌هایشان با ماست.»

خوب است در پایان این یادداشت به مراسم اهدای نشان «سرو سیمین پارسی جان» در حوزه هنری انقلاب اسلامی اشاره کنیم که آقای سخنگو در جمع حضار و خبرنگاران باز هم به سراغ سعدی رفت و ابیاتی را از باب اول بوستان این شاعر بزرگ ایرانی که درباره «تدبیر و رأی» است به عنوان جمع‌بندی و حسن ختام نشست خواند و تصریح کرد: «همه دیپلماسی امروز ما در این چند بیت کوتاه نهفته است.»

اگر پیل زوری و گر شیر چنگ/ به نزدیک من صلح، بهتر که جنگ
چو دست از همه حیلتی در گسست/ حلال است بردن به شمشیر، دست
اگر صلح خواهد عدو، سر مپیچ/ وگر جنگ جوید عنان بر مپیچ
که گر وی ببندد درِ کارزار/ تو را قدر و هیبت شود یک، هزار
ور او پای جنگ آورد در رکاب/ نخواهد به حشر از تو داور حساب
تو هم جنگ را باش چون کینه خواست/ که با کینه‌ور مهربانی خطاست
چو با سفله گویی به لطف و خوشی/ فزون گرددش کبر و گردن‌کشی
به اسبان تازی و مردان مرد/ بر آر از نهاد بداندیش گرد

خبر آخر

مرکز وابسته به سفارت فرانسه در تهران پلمب شد

بنابر اعلام دادستانی تهران، مرکز آموزش زبان وابسته به سفارت فرانسه در تهران به دلیل نداشتن مجوز فعالیت پلمب شد.

دادستانی تهران اعلام کرد: در ادامه فعالیت‌ها و اقدامات غیرقانونی و خارج از عرف دیپلماتیک فرانسه، مرکزی غیر قانونی وابسته به آن سفارت تحت پوشش آموزش زبان خارجی فعالیت می‌کرد. به رغم اخطارهای متعددی از سوی نهادهای قانونی مبنی بر دریافت مجوز فعالیت بر اساس قوانین و مقررات کشور، متأسفانه این مرکز از این مهم امتناع و در عمل به قوانین کشور بی‌احترامی کرد. بر این اساس و با دستور قضایی دادستانی تهران مرکز غیرقانونی وابسته به سفارت فرانسه در تهران موصوف به (CLF) که تحت پوشش آموزش زبان طی سالیان گذشته فعالیت می‌کرد، پلمب شد. این مرکز از عنوان زبان‌آموزی برای اجرای پروژه‌های ضد فرهنگ ایرانی-اسلامی و بر خلاف امنیت ملی سوءاستفاده و اقدام به شناسایی، شبکه